



جدال دو توحش

نگاهی به کتاب ۱۱ سپتامبر و ایجاد بی‌نظمی نوین جهانی

هومن شبیری

آیا نبرد خیر و شر، هم‌چنان یگانه تفسیر جهان است؟ اگر آمریکا منادی خیر و دموکراسی است، پس به ناگزیر پدیدآورندگان فاجعه‌ی ۱۱ سپتامبر شر مطلق اند؟ به بیانی دیگر، اگر آمریکا تجسم تباهی و فساد باشد، القاعده قهرمان دوران جدید است؟ تفسیر «خیر و شر» بارها و بارها از سوی طرفین درگیر در این جدال خونبار و بی‌فرجام تکرار می‌شود. آمریکایی‌ها القاعده را «شر مجسم» می‌نامند و القاعده نیز اعمال خود را با تفسیری مشابه توجیه می‌کند. ژیلبر آشکار از یک منظر جدید به این مجادلات نگاه می‌کند. او که یک لبنانی تبار مقیم فرانسه است، از یک سو با ماهیت حرکت‌ها و اتفاقاتی که در کشورهای عربی و اسلامی رخ می‌دهند آشنایی دارد و از سوی دیگر پرورش یافته‌ی غرب و مسلح به نگاه انتقادی است.

آشکار بررسی‌های خود را در این کتاب چنین آغاز می‌کند: «هر توضیحی که گرایش به تروریسم را، که حمله‌های انتحاری ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اوج آن بود، نتیجه‌ی وضعیت تاسف‌آور جهان کنونی بداند، با آتش توپخانه‌ی جلد‌های بی‌رحمانه روبه‌رو خواهد شد.» سپس نویسنده، نقل قول‌ها و روایت‌های متعددی را کنار هم قرار می‌دهد که در مجموع به یک تحلیل خاص منجر می‌شوند. شاید برخی از وجوه این تحلیل برای خوانندگان تازه‌نگین نداشته باشد، اما بدون شک آشکار از یک زاویه‌ی نو به موضوع پرداخته است که برای علاقمندان به تحلیل‌هایی از این دست می‌تواند بسیار جذاب و آموزنده باشد. واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر و حوادث نظیر آن را به اشکال گوناگونی تحلیل کرده‌اند. کسانی، همه‌ی این اتفاق‌ها را نمایش‌های ساختگی آمریکایی‌ها می‌دانند و کسانی هم همواره حضور یک دشمن شرور را برای آمریکا مسلم می‌انگارند. این منطق پارانویایی و افسانه‌ی نبرد خیر و شر تحلیل‌های هر دو

طرف را به انحراف‌های شدید می‌کشاند. آشکار به درستی بر اندرکنش میان آمریکا و تروریست‌های طرف مقابلش تاکید می‌کند: «... در جهانی که نابرابری درون هر جامعه و میان ملت‌ها بی‌وقفه در آن رو به افزایش است و قانون جنگل و اصل «حق با قوی است» حکومت می‌کند، توحش یک طرف به گونه‌ای محتوم به توحش طرف دیگر می‌انجامد.» نکته‌ی محوری کتاب، رد تفسیر «خیر و شر» و تبیین این اندرکنش است. همان آمریکایی که تروریست تربیت می‌کند، حکومت‌ها را تغییر می‌دهد و مردم را به خاک و خون می‌کشد، از یک سو با تروریست‌های خود ساخته درگیر می‌شود و از سوی دیگر در ازای توحش لجام گسیخته‌اش، واکنش‌های وحشیانه دریافت می‌کند. سپاهیان «خیر» دیروز به «شر مجسم» امروز تبدیل می‌شوند: «...در آن زمان آمریکا از «شر» امروز یعنی لشکریان هولناک بنیادگرایان اسلامی بر ضد «امپراتوری شر» دیروز یعنی اتحاد شوروی سوسیالیستی، پشتیبانی می‌کرد. البته آمریکا همواره تجسم واقعی «خیر» است.» آشکار به زیبایی با بهره‌گیری از استنادهای مناسب، جدال دو شرور را نشان می‌دهد. دو شر که یکی، دیگری را دامن می‌زند.

در زمانی زندگی می‌کنیم که جنگ و خون‌ریزی جهان را فراگرفته است. سال‌های اخیر جنگ‌هایی را به خود دیده که در تمام تاریخ نظیر نداشته‌اند. در این میان، ۱۱ سپتامبر به عنوان واقعه‌ای خاص و منحصر به فرد مطرح می‌شود، تو گویی این انبوه اجساد که بر زمین سنگینی می‌کند، وجود خارجی ندارد. گویی آمریکایی‌ها موجوداتی از کره‌ای دیگرند و یا جنس‌شان مرغوب‌تر است. آشکار بازتاب بی‌همتای ۱۱ سپتامبر را از منظر «شفقت خودشیفته» تحلیل می‌کند: «در واقع اگر قتل عامی از این دست در کشوری غیر از آمریکا اتفاق می‌افتاد — مثلاً در یک کشور آفریقایی — و یا این که اهداف حملات مثلاً دو برج غول پیکر در کوالالامپور بود، آیا واکنش در سطح جهان چنین می‌بود؟ کافی است پوشش خبری سقوط برج‌های دوقلوی مانهاتان را با پوشش خبری گروزی در چچن مقایسه کنیم که بمباران ارتش روسیه این شهر را به طور کامل با خاک یکسان کرد.» نویسنده، سطح پوشش خبری یک فاجعه را مرتبط با میزان نزدیکی آن با قدرت مسلط ارزیابی می‌کند: «به عنوان یک قاعده، شدت عواطف مستقیماً متناسب با نزدیکی صحنه‌ی جنایت با مرکز کنونی نظام جهانی و کانون پر نفوذ صحنه‌ی نمایش آن است.»

نویسنده با یک نقل قول از کارل مارکس — از مقاله‌ی مارکس در نیویورک تریبون درباره‌ی طغیان سپوی‌ها در هند — به خوبی ماهیت جدال دو توحش را نشان می‌دهد: «... هر قدر هم رفتار سپوی‌ها شرم‌آور و ننگین باشد، صرفاً به شکلی فشرده بازتاب رفتار خود انگلستان در هند نه تنها در دوران تاسیس امپراتوری شرقی‌اش بلکه حتی طی ده سال استقرار آن حکومت تا به امروز است..... در تاریخ بشر چیزی مانند کیفر وجود دارد، و این قانون کیفر تاریخی است که ابزارش را نه قربانیان که خود مجرمان به وجود می‌آورند.» سپس آشکار می‌افزاید: «با این همه، این قانون کیفر تاریخی که مارکس به آن اشاره کرده است، باید با این اظهارنظر تکمیل شود که غالباً آن‌هایی که عهده‌دار پرداخت هزینه‌های جرایم کشور جنایتکار هستند شهروندان تحت ستم آن می‌باشند. بنابراین کشته‌شدگان ۱۱ سپتامبر در تحلیل نهایی قربانی دو طرف هستند: هم قربانی تروریست‌های شهادت‌طلب و هم قربانی دولت آمریکا که برای آنان نقشه کشیده بود.»

ژیلبر آشکار در کتاب خود به زوایای مختلف «جدال دو توحش» می‌پردازد. مسایلی چون نظم جهانی، نفت و

تروریسم را با محوریت فاجعه‌ی ۱۱ سپتامبر بررسی می‌کند و تحلیلی از جریان موسوم به بنیادگرایی اسلامی ارائه می‌دهد. نوع نگاه و شیوه‌ی تحلیلی آشکار برای علاقمندان به نقد در حوزه‌ی مطالعات سیاسی و اجتماعی حاوی نکاتی ارزنده و آموزنده است. ترجمه‌ی روان حسن مرتضوی هم بر جذابیت کتاب می‌افزاید.

پی‌نوشت

— این مقاله پیش‌تر در ماه‌نامه‌ی *نقدنو*، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴ چاپ شده‌است.
□ مشخصات کتاب: ۱۱ سپتامبر و / ایجاد بی‌نظمی نوین جهانی، ژیلبر آشکار، برگردان: حسن مرتضوی، نشر اختران.